

بنشینم و صبر پیش گیرم

سردبیر یا معاون اجرایی او در چایخانه حضور می‌یافت و به کار گر چایخانه می‌گفت کدام مطلب را کجا بگذارد. بعدها، این نوع صفحه‌آرایی تغییر کرد و در همان تحریریه بسته می‌شد.
مطالب را پیش از فرستادن به حروفچینی کلمه‌شمار می‌کردند و ماکت آن را در تحریریه می‌کشیدند و به چایخانه می‌فرستادند تا بسته شود. دیگر لازم نبود سردبیر یا معاون او برای بستن صفحات به چایخانه بروند.
این کار را هم ابتدا آمریکایی‌ها شروع کردند. در آن زمان که آیندگان راه می‌افتاد، یک آمریکایی به نام تامپسون، به دعوت روزنامه کیهان که در زمینه‌های فنی پیشرو بود، به ایران آمده بود که شیوه تازه صفحه‌آرایی را به کارگزاران روزنامه کیهان بیاموزد.
آیندگان هم از این فرصت استفاده کردند و آن شخص چند روزی به روزنامه آمد و فرم جدید صفحه‌آرایی را به خانم نازنین دارابی که اولین صفحه‌بند آیندگان بود، آموخت.
بعده‌تر منصور رهبانی این شیوه را از خانم دارابی فراگرفت.
منصور نیز وقتی عزم رفتن کرد، به نوبه خود این کار را به کیومرث نائینی آموخت و کیومرث آن را به همکار دیگری به نام مهدی رضوی یاد داد.
آن آمریکایی هم بعد از چند روز که برای آموزش خانم دارابی به روزنامه می‌آمد، از ایران رفت؛ ولی در ذهن افراد ماند که یک آمریکایی به روزنامه رفت‌وآمد می‌کند؛ کیومرث در سال ۵۲ به روزنامه آمد، اما یادم نیست چه روزی و چه ماهی، به گمانم زمستان بود. کسانی که در آن سال به روزنامه پیوستند تعدادشان کم نبود.
فرزانه نوری، حسین فرهمند، آریتی دحقان، لاله تقیان، کیومرث نائینی، عباس نائینی، رضا سهرابی، فیروز گوران و محمد معلم از آن جمله بودند.
شهرآشوب امیرشاهی را نیز باید در زمره همان سرمایه‌های سال ۵۲ روزنامه به حساب آورد.
زیرا اگرچه او از چند سال پیش‌تر با روزنامه همکاری داشت اما همکاری‌اش اتفاقی بود و به ندرت مطلبی در روزنامه می‌نوشت.
از سال ۵۲ او به طور موقت‌بم به روزنامه پیوست؛ ابتدا در صفحه‌کتاب ظاهر شد و بعد از یکی، دو سال با انتشار آیندگان ادبی، عملا اداره آن را بر عهده گرفت.
به غیر از اینان، همکاری که نامش در روزنامه نیامده اما تا پایان با روزنامه بود، همین کیومرث نائینی بود.
نامش در روزنامه نمی‌آمد برای آنکه او معاون اجرایی سردبیر و صفحه‌آرای روزنامه بود.
مطلب نمی‌نوشت که نامش در روزنامه بیاید.
نائینی‌ها سه برادر بودند که در آیندگان مشغول به کار شدند. بعد از عمید که از ابتدا با روزنامه بود، عباس و کیومرث در سال ۵۲ به روزنامه پیوستند.
کیومرث در کار صفحه‌آرایی روزنامه بود و خبر تولید نمی‌کرد اما عباس در کار خبر افتاد و به سرعت پیش رفت، ولی مدت کارش در آیندگان طولانی نشد و برای تحصیل راهی کانادا شد و هنوز مقیم کاناداست.
کیومرث نائینی جوان زیرک و خاموشی بود که آهسته می‌آمد، آهسته می‌رفت و تا پایان شب در روزنامه می‌ماند و اسرار روزنامه را نگه می‌داشت، با وجود آنکه نام کیومرث در روزنامه نمی‌آمد، گهگاه نامش در روزنامه دیده می‌شود. مثلاً در روز پنجشنبه ششم آذر ۵۲ نامش بر بالای خبری با عنوان «بزرگ‌ترین مرکز توزیع مواد غذایی در تهران» دیده می‌شود.
معلوم است که مثل دو برادر دیگرش میل او به سمت خبر می‌کشید اما روی هم رفته در بخش مدیریت روزنامه ماند و به کار خبر و نوشتن نبرداشت.
کیومرث در همان سمتی ماند، یعنی معاونت اجرایی سردبیر و صفحه‌آرا، تا پایان انتشار آیندگان، در روزنامه ماند و بعد یی کار شد.
پس از انقلاب مانند بسیاری از ما یعنی عمید نائینی، فیروز گوران، محمد قائد، مهدی سحابی، سعید پنهود و من به مجله صنعت حمل‌ونقل پیوست و مدیریت اجرایی مجله را به عهده گرفت.
روزنامه جای شلوغی بود و تعداد کسانی که در آن نقشی ایفا می‌کردند، زیاد بود و نقش فرد کمتر دیده می‌شد، اما در مجله صنعت حمل‌ونقل که جای کوچک‌تری بود، کیومرث فرصت یافت درایت خود را در کار مدیریت نشان دهد.
تأثیرگذاری او در «صنعت حمل‌ونقل» برای کسانی که دست‌اندرکار انتشار مجله بودند، به نحو بارزی آشکار است.
نقشی که او در آنجا بازی کرد، بعترت به دو سه مجله دیگر انتقال یافت.
یعنی مجله سفر، زمان و پیام امروز.
ادماها در طول کار، با یکدیگر درگیری پیدا می‌کنند.
طبعاً این درگیری بین من و کیومرث هم گهگاه پدید می‌آمد.
مثلاً مجله برای چاپ آماده می‌شد، اما یک هفته روی میز کیومرث معطل می‌ماند.
بسیاری وقت‌ها به جانش غر می‌زدم که برای چه مجله را نگه داشته است.
من آدم ندنی هستم اما در تمام سی، چهل سالی که با او کار کردم و به جانش غر زدم یک بار، حتی یک بار نشد که کیومرث حرف تند یا بی‌بر خورند تلخی بکند.
خیلی دوست‌دانه و برادرانه حالی می‌کرد که همین روزها مجله را برای چاپ می‌فرستد.
او مجله را برای آنکه آگهی‌هایش به حد لازم برسد نگه می‌داشت.
دوران‌تیرش از ما بود.
می‌دانست که مجله فقط با فروش نمی‌گردد و اگر آگهی کافی نداشته باشد، عمر کافی نخواهد کرد.
تنها به همان شماره زیر چاپ نمی‌انداشید.
به آینده کار بیشتر توجه داشت.
بقین دارم که اگر درایت او نبود، مجلاتی که ما درآوریم بد، آن اندازه دوام نمی‌کرد که با حضور و درآوردنش‌های او کرد.
تمام مجلاتی که بعد از انقلاب باور آوریدیم، به غیر از آئینه و دنیای سخن، همه زیر نظر او بود و البته برادر کارنداش عمید نائینی که همواره نقش درجه اول داشت.
بعد از توقف انتشار مجلاتی که ما در می‌آوردیم، کیومرث عازم کانادا و در آنجا مقیم شد.
چهار پنج سال پیش شنیدم در کانادا دچار سکنه مغزی شده و حالش خوب نیست.
دیگر او را ندیده بودم تا دو سال پیش که به تهران آمد و به دیدارش رفتم.
به هیچ زبانی نمی‌توانم بگویم از دیدارش چه اندازه خوشحال شدم.
بعد از ۲۰ سال ابر در بیابان تشنه می‌بارید.
دوبار به دیدارش رفتم و به بار سوم نکشید.
قصد بود به‌مانند اما نماند.
گویا با وضع جسمانی‌ای که پیدا کرده بود، مراقبت از او در کانادا راحت‌تر بود.
باز دیدار به تأخیر افتاد تا اینکه ناگهان رفت و خاموش شد.
این اواخر دوباره همه چیز همیا شده بود که برگردد.
خانمش به تهران آمده بود و همه چیز را آماده کرده بود که کیومرث بیاید و در تهران مقیم شود.
حتی دخترش هم مرخصی گرفته بود که در استانبول او را تحویل بگیرد و به تهران بیاورد.
اما ناگهان در تورنتو دچار خونریزی مغزی شد و در سه‌چهار روز همه چیز به پایان آمد.
افسوس که فرصت نشد یای صحبتش بنشینم و خاطراتش را ثبت و ضبط کنم.
دیر شد.
همیشه دیر می‌شود.
حالا دیگر باید بنشینم و صبر پیش گیرم.
تردید ندارم که نامش در تاریخ مطبوعات ما خواهد ماند.
یادش گرامی.

اختلاف عمیق آمریکا و اسرائیل بر سر یک عملیات جنجالی

معمای پیچیده «رفح»



بر سه نکته اساسی استوار است: اول تشکیل یک نیروی امنیتی نظامی از افراد وابسته به فتح که در نوار غزه به‌ویژه بخش جنوبی آن زندگی می‌کنند. این نیرو حدود ۸۰ عضو خواهد داشت و مأموریت اصلی آن توزیع کمک‌های بشردوستانه در شمال غزه و سپس جنوب آن خواهد بود. بر اساس اطلاعات فاش‌شده از کانال ۱۴ اسرائیل، ماجد فرج، رئیس سازمان اطلاعات فلسطین، موفق شده است این نیرو را تشکیل دهد و اعضای این نیرو که خانواده‌های فلسطینی غیرحامی حماس و اعضای فتح‌اند، از شنبه گذشته مأموریتشان را آغاز کرده‌اند. بخش دوم طرح امنیتی، آموزش هفت هزار نیروی امنیتی جنبش فتح است. در گام اول، قرار است فهرست اسامی این افراد به تأیید اسرائیل برسد و سپس نیروهای مزبور در پایان جنگ یا در مراحل پایانی آن، در نوار غزه مستقر شوند. مرحله سوم هم انتخاب کارکنان دولت از نوار غزه، اعزام آنها به کرانه باختری برای آموزش و بازگرداندن آنها به غزه است تا مسئولیت‌های موردنظر را به عهده بگیرند. در حالی که نتانیاهو این طرح را با تمام جزئیاتش رد می‌کند، یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل، از طرح مزبور حمایت می‌کند و ماجد فرج نیز پس از مداخله آمریکا این طرح را پذیرفته است. چندی قبل، گالانت با اشاره به اینکه سوئد نباید مسئول توزیع کمک‌ها باشد، گفته بود که فتح و در رأس آن محمد دحلان ۳۰ مارس به منظور تأمین امنیت کاروان کمک‌های غذایی وارد شمال غزه شد و به مدت دو روز متوالی مأموریتش را انجام داد؛ اما ناگهان هدف حمله قرار گرفت که در نتیجه، دو نفر کشته و ۱۰ نفر دیگر دستگیر شدند.

در همین راستا، ایاد البزم، سخنگوی وزارت کشور حماس، گفت: نیروهای امنیتی با دستگیری افراد بادشده طرحی را که برای ایجاد آشفتگی و هرج‌ومرج در حال اجرا بود، خنثی کردند. او افزود: هرکس به دنبال کاری باشد که سرانجام آن به سود اسرائیل است، با مشّت آهنین یا او برخورد خواهد شد. در واقع، وزارت کشور حماس زمانی برای دستگیری نیروی امنیتی وابسته به جنبش فتح اقدام کرد که محمد مصطفی، نخست‌وزیر جدید فلسطین، در آستانه ادای سوگند وفاداری برای به عهده گرفتن ریاست دولت تکنوکرات جدید فلسطین بود که مأموریتش اداره هم‌زمان نوار غزه و کرانه باختری بر اساس چشم‌انداز یک کشور واحد است.

علی ابوزرق، کارشناس امور سیاسی، می‌گوید: «اعزام این نیرو به نوار غزه تلاشی برای آزمایش صحنه امنیتی و چگونگی برخورد با حماس بر سر کنترل نوار غزه بود». او افزود: «رویکرد حماس با نیروی امنیتی متعلق به جنبش فتح بیانگر این واقعیت است که حماس همچنان با تعامل و همکاری با مقام‌های امنیتی وابسته به تشکیلات خودگردان فلسطین مخالف است.»

خودگردان فلسطین به بخش شمالی نوار غزه برای نظارت بر روند توزیع کمک‌های بشردوستانه، وزارت کشور حماس آنها را دستگیر و به ایجاد اضطراب و بلوا بین جمعیتی که از مهاجرت به سمت جنوب امتناع کرده‌اند، متهم کرد. به گفته این وزارتخانه، افراد بازداشت‌شده که به دستور مستقیم ماجد فرج، رئیس سازمان اطلاعات فلسطین و در توافق با موساد و همکاری ارتش اسرائیل وارد نوار غزه شده‌اند، عضو سازمان اطلاعات تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه باختری‌اند. با توجه به اختلاف عمیقی که بین فتح و حماس وجود دارد، حماس از واگذاری امور نوار غزه به تشکیلات خودگردان فلسطین امتناع می‌کند، مگر اینکه این اقدام در هماهنگی با حماس صورت گیرد. افزون بر آن، به باور حماس، دولت رام‌الله و دستگاه‌های امنیتی آن حق فعالیت در نوار غزه را ندارند و حماس هرگونه فعالیت آنها را غیرقانونی و برای تحقق اهداف مشکوک می‌داند و با استفاده از زور مانع هرگونه فعالیت آنها در غزه می‌شود. در مقابل، تشکیلات خودگردان فلسطین به غزه دیدگاه دیگری دارد. مقام‌های تشکیلات خودگردان فلسطین اصرار دارند که نوار غزه بخشی از سرزمین فلسطین است و امور آن باید بر اساس چشم‌انداز تشکیل کشور واحد مدیریت شود. به همین دلیل، عبدالله عبدالمه، یکی از اعضای شورای انقلابی فتح، گفت: «ورود نیروهای امنیتی به شمال غزه برای آشوبگری نیست و آنچه حماس از آن صحبت می‌کند، کاملاً بی‌اساس است؛ زیرا مأموریت این افراد جلوگیری از سرقت کمک‌ها و اطمینان از رسیدن آنها به دست ساکنان نیازمند شمال نوار غزه است». به گزارش ایندپیندنت، ماجرای ورود نیروهای اطلاعاتی فلسطینی به شمال غزه داستانی طولانی دارد و از زمانی آغاز شد که اسرائیل از نابودی کامل حماس در شمال نوار غزه خبر داد و در نتیجه ارتش اجازه داد برای نیازمندان آنجا کمک‌های بشردوستانه فرستاده شود، اما افراد با گروه‌های مسلح به سلاح سرد این کاروان‌ها را غارت کردند. پس از آن، اسرائیل که در حال آزمایش برنامه‌هایی برای اداره نوار غزه پس از پایان جنگ است، برای تأمین امنیت و رسیدن کمک‌های بشردوستانه به نیازمندان، به جست‌وجوی یک نهاد امنیتی رفت. نخستین گامی که اسرائیل در این راستا برداشت، ارتباط با خانواده‌های سرشناس و برون عشایر شمال بود اما آنها از هرگونه همکاری با اسرائیل بدون هماهنگی کامل با مقام‌های امنیتی غزه خودداری کردند. سپس اسرائیل درصد برآمد کمیته‌های حفاظت مردمی در شمال غزه تشکیل دهد که اعضای آن خانواده‌ها و نیروهای امنیتی وابسته به غزه باشند و در هماهنگی با دولت حماس در غزه کار کنند؛ طرحی که با تماسی جزئیاتش موفق بود و باعث شد کمک‌ها به‌طور منظم و بدون اینکه سرقت و غارت شوند، به دست نیازمندان برسد. پس از چندی ارتش اسرائیل کمیته‌های دفاع مردمی را بخشی از حماس دانست و طرح هماهنگی با دستگاه‌های امنیتی دولت غزه را رد کرد. در نتیجه، نیروهای اسرائیلی علیه کمیته‌های مزبور وارد عمل شدند و جلو ادامه مأموریت آنها را گرفتند.

در آن زمان، سازمان‌های امنیتی اسرائیل برای جلوگیری از آشفتگی و هرج‌ومرج در نوار غزه، طرح همکاری با ماجد فرج، رئیس سازمان اطلاعات فلسطین، را برای کنترل موقع غزه پیشنهاد کردند. به گزارش شبکه خبری کان اسرائیل، تراچی هانکبی، رئیس شورای امنیت ملی اسرائیل، با موافقت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، با ماجد فرج دیدار و با او درباره طرح دقیق کنترل موقع نوار غزه گفت‌وگو کرد. این طرح امنیتی

مذاکرات آمریکا و اسرائیل درباره عملیات رفح با دشواری‌هایی روبه‌رو شده و گفته می‌شود اختلاف‌های عمیقی میان دو طرف بر سر این عملیات بروز کرده است. به نوشته اکسیوس به نقل از سه منبع آگاه، عملیات نظامی در شهری که بیش از یک میلیون فلسطینی در آن پناه گرفته‌اند، به یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات مرتبط با جنگ غزه میان ایالات متحده و اسرائیل تبدیل شده است. پیش‌تر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در بی‌رای ممتنع آمریکا به قطع‌نامه «آتش‌بس فوری در غزه و آزادی همه روگان‌ها» در شورای امنیت سازمان ملل متحد، سفر هیئت اسرائیلی به واشنگتن را که قرار بود با هدف گفت‌وگو درباره نگرانی‌های آمریکا درباره حمله رفح انجام شود، لغو کرده بود. بنابر اظهارات منابع آگاه، جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید و آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه ایالات متحده رهبری هیئت آمریکایی را در این نشست بر عهده داشتند. در طرف اسرائیلی هم معتمدان بنیامین نتانیاهو از جمله ران درمر، وزیر امور راهبردی و زاخی هانکبی مشاور امنیت ملی اسرائیل حضور داشتند. همچنین تعدادی از مقامات دفاعی، سیاسی و اطلاعاتی دو طرف نیز این مقامات ارشد را در این مذاکرات همراهی می‌کردند. به گزارش دو منبع مطلع از مذاکرات، این جلسه شبیه به نشست‌های تجاری و سازنده بود و به‌رغم اختلافات دو طرف مذاکرات بسیار جدی با هدف حصول تفاهم و نه تنها اعلام مواضع یا یکدیگر داشتند. بخش عمده‌ای از نشست به چگونگی تخلیه بیش از یک میلیون فلسطینی از رفح در جنوب نوار غزه اختصاص داشت. دولت بایدن بار دیگر نگرانی‌های خود را مبنی بر اینکه تخلیه سریع و سازماندهی‌نشده به وقوع یک فاجعه انسانی منجر می‌شود، تکرار کرد. به گزارش سه منبع آگاه، طرف اسرائیلی ضمن ارائه ایده‌های کلی درباره تخلیه غیرنظامیان گفته است که اجرای عملیات تخلیه بستره به شرایط میدانی ممکن است دست‌کم چهار هفته به طول بینجامد. اما، طرف آمریکایی این برآورد را غیرواقعی خوانده و به طرف اسرائیلی متذکر شده است که دشواری عملیات تخلیه را دست‌کم می‌گیرد. بنابر اظهارات این منابع، مقامات آمریکایی به مقامات اسرائیلی گفته‌اند که با توجه به وخالت روزافزون بحران انسانی غزه در پنج ماه گذشته، اعتمادی به توانایی اسرائیل برای انجام موثر و منظم عملیات تخلیه غیرنظامیان از رفح وجود ندارد. به گفته دو منبع مطلع، اظهارات یک مقام آمریکایی حاضر در جلسه مبنی بر اینکه تخلیه غیرنظامیان از رفح ممکن است چهار ماه طول بکشد، با مخالفت هیئت اسرائیلی مواجه شد. یکی از منابع می‌گوید: «برای همگی روشن است که ما باید به راه‌حل میانه‌ای دست بیاوریم». به گفته دو منبع، جیک سالیوان به طرف اسرائیلی هشدار داده است که ظرف چند هفته آینده سازمان طبقه‌بندی جامع غذایی (IPC) احتمالاً برای غزه اعلامیه قحطی صادر می‌کند. در این صورت این تنها سوسمین اعلامیه از این دست در قرن بیست‌ویکم خواهد بود و برای آمریکا و اسرائیل پیامدهای بدی دارد. طرف اسرائیلی نیز در پاسخ گفته است که اسرائیل باور ندارد که غزه در آستانه قحطی است. آنها افزودند که ارتش اسرائیل بهترین اطلاعات را در مورد وضعیت غزه در اختیار دارد و تمام اطلاعات حاصل از منابع دیگر اشتباه هستند. به گفته یکی از منابع، طرف آمریکایی در پاسخ گفته که فقط اسرائیل است که ادعا می‌کند غزه در قحطی نیست. بنابر اظهارات این منبع، ایالات متحده صراحتاً با ارزیابی اسرائیل درباره به ویژه وضعیت شمال غزه مخالف است و تأکید می‌کند که انکار مشکل موجود نمی‌تواند موضع خوبی برای اسرائیل باشد.

گزینه‌های جایگزین

به گفته دو منبع آگاه، آمریکا گزینه‌های جایگزینی را برای عملیات رفح به صورت گسترده به اسرائیل ارائه کرده است. جایگزین‌های آمریکا شامل ملزوی کردن رفح از سایر نقاط نوار غزه، تقویت امنیت مرزی مصر و غزه، تمرکز بر هدف قراردادن مقامات ارشد حماس در شهر و انجام حملات مبتنی بر اطلاعات است. به گفته این منابع، پیام اصلی آمریکا این بود که اگرچه حماس باید در رفح شکست بخورد، اما ارتش اسرائیل باید دست به عصاتر و با شدت کمتری نسبت به عملیات شهر غزه و خان یونس عمل کند.

جزئیات طرح اداره نوار غزه

از طرف دیگر، اختلاف‌ها میان گروه‌های فلسطینی بر سر آینده غزه نیز تشدید شده است. پس از ورود مأموران امنیتی تشکیلات

برگ سبز خودرو**فیدلیتی** برای**م رنگ مشکی متالیک مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ایران ۲۷ - ۸۷۳ و ۵۱ و شماره موتور SQRE4T15C*BJPE01099 و شماره شاسی NAGC1AB49P1027859 به نام سوران رحمانی**
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو**پژو****پارس رنگ سفید-روغنی مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک ایران ۶۸ - ۷۲۴ و ۴۸ و شماره موتور 1۲۴۸۹۱۷۶۵۱۶ و شماره شاسی NAAN01CA5BK476۱22 به نام مژگان سلمانی**
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز موتور سیکلت**بوکسر** **رنگ قرمز مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۱۵۱ - ۱۶۲۹۳ و شماره موتور PFZWHA13078 و شماره شاسی N5PCBEKLAHAA00082 به نام حمید غبرائی**
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

گزارش

واکنش‌ها به حمله مرگبار به «آشپزخانه جهانی»

دو روز پس از حمله مرگبار هوایی اسرائیل به خودروی حامل امدادگران مؤسسه خیریه «آشپزخانه مرکزی جهانی»، جو بایدن، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، گفت از ایسن حادثه «خشمگین و دلشکسته» است و از اسرائیل برای انجام‌ندادن اقدامات کافی جهت محافظت از جان امدادگران انتقاد کرد. در حمله پهبادی به کاروان این سازمان غیردولتی، شهروندانی از استرالیا، بریتانیا، لهستان، ایالات متحده و کانادا به همراه راننده فلسطینی جان خود را از دست دادند. جو بایدن در اظهارات خود با بیان اینکه این یک اتفاق «غیرمعمول» نبوده است، گفت: «این دلیل عمده‌ای است که چرا توزیع کمک‌های بشردوستانه در غزه کاری بسیار دشوار محسوب می‌شود؛ زیرا اسرائیل اقدامات کافی را برای محافظت از امدادگرانی که سعی در ارائه کمک‌های ضروری به غیرنظامیان دارند، انجام نداده است.»

رئیس‌جمهوری آمریکا خواستار تحقیقات در این زمینه شد و اضافه کرد: «این درگیری یکی از بدترین درگیری‌های سال‌های اخیر از نظر تعداد امدادگران کشته‌شده بوده است». در همین حال، هرتزی هالوی، رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل، گفت حمله به کاروان امدادی «آشپزخانه مرکزی جهانی» تعمدی نبوده، بلکه به دلیل اشتباه در شناسایی رخ داده است. او همچنین افزود: «من می‌خواهم خیلی واضح بگویم حمله به قصد آسیب‌رساندن به امدادگران انجام نشده است، این اشتباهی بود که به دنبال شناسایی اشتباه رخ داد. اتفاقی که در شب، در طول یک جنگ و در شرایط بسیار پیچیده افتاده، هرچند معقدم این اتفاق نباید می‌افتاد». اسحاق هرتزوک، رئیس‌جمهوری اسرائیل نیز با انتشار بیانیه‌ای از بابت این حادثه عذرخواهی کرد و به خانواده و نزدیکان امدادگران کشته‌شده تسلیت گفت. هم‌زمان آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا و ساربرینا سینگ، معاون سخنگوی وزارت دفاع ایالات متحده در کنفرانس‌های خبری جداگانه ضمن ابراز تأسفد از حمله اسرائیل به کاروان مکررسان «آشپزخانه مرکزی جهانی»، بر لزوم حفظ جان بی‌گناهان در زمان اجرای عملیات در غزه و محافظت از کارکنان گروه‌های امدادی بشردوستانه و سازمان‌های بین‌المللی تأکید کردند. جیمی مک گولدریک، مقام ارشد سازمان ملل در امور کمک‌های بشردوستانه در غزه گفت از زمان آغاز جنگ بین اسرائیل و حماس در هفتم اکتبر سال گذشته، بیش از ۲۰۰ امدادگر در این منطقه کشته شده‌اند.

آگهی ابلاغ»

جناب آقای مهدی خضری

بدینوسیله به شما ابلاغ می شود، به مستندرای شماره ۱۹۳/۶/ب/هـ/م مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۳ هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری (شعبه ۶)کارمندان وزارت صنعت، معدن وتجارت به مجازات «اخراج از دستگاه متبوع «محکوم شده اید. لذا درصورت اعتراض به رای صادره می توانید حداکثر ظرف مدت سی روز از تاریخ درج این آگهی، اعتراض خود را به صورت کتبی به دستگاه ذی ربط اعلام نمایید.

مدیریت توسعه منابع انسانی و پشتیبانی

صندوق ضمانت صادرات ایران

برگ سبز خودرو**هایماS5** **رنگ سفید مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ایران ۲۳ - ۲۳۷ ط ۵۷ و شماره موتور GN15TF2B006266A و شماره شاسی NAAD6CA0EPYA92570 به نام فثانه طاهر هنجنی**
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودرو**ریو ال اس** **رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک ایران ۲۰ - ۳۴۱ ب ۵۸ و شماره موتور ۱۰۹۱۰۵۳ و شماره شاسی NAS6۱0022B۱۱92660 به نام سید امیر محسن میر حسینی**
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو**لاماری رنگ سفید صدفی متالیک مدل ۱۴۰۳ به شماره پلاک ایران ۱۷ - ۹۵۳ ب ۱۲ و شماره موتور 4A95TD*3YR381 و شماره شاسی N5RL42DA5RP0۱262۱ به نام لیلا رزم**
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجناب علیرضا ملک زاده** **فرزند عبدالحمید** به شماره شناسنامه ۴۷۴۸ صادره از بوشهر در مقطع کارشناسی رشته مهندسی منابع طبیعی و شیلات صادره از واحد دانشگاهی غیرانتفاهی خرز محمودآباد با شماره ۱۰۳۵۳۰۵۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضای شود اصل مدرک را به دانشگاه غیر انتفاهی خرز واحد محمودآباد به نشانی محمود آباد، دانشگاه خزر ارسال نماید.